



سیری کوتاه در نماز





تهیه شده در انجمن آنتی شبها

نویسنده: یاسر قزل

گرافیک: عبدالجبار

◆ سیری کوتاه در نماز

در این مقاله سعی می‌کنم با تفکری انتقادی از جهات متفاوت به بررسی ویژگی‌ها و تأثیرات نماز بپردازم.

در این تحقیق به نقل نظرات و تحلیل‌ها و بررسی‌های ارزشمند مسلمانان و غیرمسلمانان در خصوص نماز نیز می‌پردازم.

«پیش از نماز وضو باید گرفت و چون در روز پنج نماز باید گزارد، نظافت، بحق از لوازم ایمان است.

پیامبر مسلمانان را از اهمال در کار وضو بر حذر می‌داشت و می‌فرمود که خدا نماز بی وضو را نمی‌پذیرد.

تأکید می‌کرد که پیش از نماز دندان‌ها را تمیز کنند، ولی مسواک را از واجبات وضو قرار نداد.

در جامعه‌های اسلامی پیش از آفتاب و نیمه روز و پسینگاه و نزدیک غروب مؤذن بر گلدسته بالا می‌رود و به وسیله اذان مسلمانان را به نماز می‌خواند.

اذان چنین است :

الله اکبر الله اکبر. الله اکبر الله اکبر. اشهد ان لا اله الا الله. اشهد ان لا اله الا الله. اشهد ان محمداً رسول الله. اشهد ان محمداً رسول الله. حى على الصلواه. حى على الصلواه. حى على الفلاح. حى على الفلاح. الله اكبر الله اكبر. لا اله الا الله.

براستی چه نیرومند و شریف است این دعوت که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند؛ چه خوب است انسان به هنگام نیمروز از کار بازایستد، و چه بزرگ و باشکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند جل جلاله



توجه کند.

چه خوشاهنگ است صدای مؤذنان در گوش مسلمان و غیرمسلمان که این جانهای محبوس در پیکر خاکی را از فراز هزاران مسجد دعوت می‌کند که به سوی بخشنده زندگی و عقل توجه کنند و به جان با او پیوند گیرند.

در این پنج وقت، هر مسلمانی در هر گوشه دنیا باید از کار خود، هر چه هست، دست بردارد، تطهیر کند، رو به جانب کعبه بایستد، و رسوم و تشریفات نماز را به همان صورت که مسلمانان دیگر در اوقات مختلف روز عمل می‌کنند به انجام برساند (۱)

« در زیر پای مؤذن شهری گسترده است، و کمی دورتر رودخانه‌ای جاری است، هنوز هم همه چیز در خواب است، اما در خوابی نا آرام. سپیده بر فراز شهر گسترده می‌شود، و آن گاه مؤذن نفس عمیقی می‌کشد، و با صدای زیرش بانگ بر می‌آورد، الله اکبر، و بزرگی بی‌همانند خدا را به آسمان‌ها اعلام می‌کند، و بار دیگر تکرارش می‌کند، همچنان که با حالت پرشوری عبارت‌های بعدی را هم تکرار خواهد کرد، و تمام عالم را فرا خواهد خواند، تا شهادت دهند که خدایی جز خدای یکتا نیست، و محمد فرستاده خداست، و پس از بیان این حقیقت‌های اصولی مؤمنان را به عبادت فرا خواهد خواند، بشتابید برای نماز، اما بشر ذاتا تبیل است، حتی اگر معتقد به ذاتی باشد که او را خواب هرگز فرا نمی‌گیرد، این است که مؤذن کسانی را که هنوز چشم از خواب نگشوده اند با خیرخواهی ملامت می‌کند، نماز بهتر از خواب است، الصلاة خیر من النوم، و با اعلام این که غیر از خدای یکتا خدایی نیست، اذان را به پایان می‌آورد، لا اله الا الله، اما این را فقط یک بار می‌گوید، چراکه وقتی صحبت از حقایق قطعی است، یک بار گفتن کفایت می‌کند. شهر به زمزمه عبادت می‌پردازد، هوا روشن شده است، طولی نمی‌کشد که مردم در حیاط خانه‌ها ظاهر خواهند شد. مناره غرق در روشنایی است. مؤذن نایبناست. (۲)

« در میدان بزرگ کلکته وقتی که نماز عید برگزار می‌گردد غالباً یک صد و بیست هزار نفر در پشت سر یک امام اقتدا می‌کنند. اقوام دیگر برای دیدن این منظره جمع می‌شوند، یک مرتبه همراه با دیگران [سر سروجنی نائید] که در آن وقت یکی از رهبران سیاسی به شمار می‌رفت نیز آمد او این منظره را دید و متحیر گردید و گفت:



این نظم و انضباطی که دهها صفوف مرتب با آواز یک نفر به حرکت در می‌آیند از چه جایگاه خوبی برخوردار است و چقدر خوب است.

این نظم که برای مسلمانان از نظر مذهبی میسر است برای هیچ یک از اقوام امروزی میسر نیست. به هر صورت، حقیقت این است که در شکل و صورت نماز آثار رعب‌اندازی نمودار است اگر در جایی اقامه نماز میسر گردد که روح نماز با ذکر الله توأم باشد و تعداد مسلمانان همین، آیا نظام دنیا همان گونه که امروز است باقی خواهد ماند؟!

پس به گمان بنده برای ثابت نمودن حقانیت اسلام.

فقط نماز با همان حقیقت و خصوصیتی که ذکر گردید کافی است.

و انسانی منصف در بین اقوام دیگر هیچ راهی ندارد غیر از اعتراف به اینکه این عبادت، که در آن چنین مواردی رعایت شده است، یقیناً از جانب الله است.

این عبادت که عقل هیچ انسانی هرگز نمی‌تواند همانند آن را پایه‌ریزی نماید.

یک انسان هر قدر فلسفی و دانشمند باشد نمی‌تواند در چنین عمل مختصری در مصوبه‌هایش اینقدر رعایت‌های نامحدود بگنجانند که در آن‌ها دین، دنیا، اخلاق، معاشرت، عبادت، عادت، خلوت، انفراد، سیاست، حکومت، صلاح و اصلاح، اعلائی کلمه الله و اسفال کلمه کفر همه به یک وقت جمع گردد و با رعایت آن، فتنه‌ها هرگز نتوانند در مقابل شخص اظهار وجود نمایند و از عدم حضور آن راهی برای ورود فتنه‌ها در ایمان شخص پیدا شود. (۳)

«یکی از وجوه معنایی «الله اکبر» این است که قدرت و علم حضرت حق بزرگ‌تر و فوق هر چیز است، هیچ چیز خارج از دایره علم او نیست و نمی‌تواند از قدرت تصرف او بگریزد و خلاصی یابد، او از هر چیزی که می‌ترسیم بزرگ‌تر است، قدرت او بزرگ‌تر از وقوع حشر، نجات ما از عدم و عطای سعادت ابدی است. از هر چیز عجیب و بیرون از دایره‌ی عقل بزرگ‌تر است و براساس صراحت قطعی آیه: **« مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَعْظُمُكُمْ إِلَّا كَفْئُوسٍ وَاحِدَةٌ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ** (لقمان: ۲۸) «آفرینش و برانگیختن شما [در نزد ما] جز مانند [آفرینش] یک تن نیست، خدا شنوای بیناست.»



حشر و نشر نوع بشر، هم‌چون آفرینش نفسی واحد برای او آسان است. به اعتبار همین معناست که مردم در برابر مصایب و مقاصد بزرگ «الله اکبر، الله اکبر» را چون ضرب المثلی به کار می‌برند، تا خود را تسلی دهند و آن را نقطه قوت و استناد خویش قرار دهند.

آری، این کلمه همراه با دو همتایش مغز و خلاصه نماز را که فشرده همه عبادات است تشکیل می‌دهد؛ بنابراین این سه حقیقت بزرگ یعنی الله اکبر، الحمدالله و سبحان الله که در نماز و تسبیحات تکرار می‌شوند، معنای نماز را تقویت می‌کنند. نیز سه حقیقت بزرگ مذکور به سوالات ناشی از حیرت و لذت و هیبت که از امور فوق‌العاده عجیب و زیبا و بزرگ نشات می‌یابد پاسخ می‌دهد؛ سوالاتی که مدار حیرت و شکر و عظمت و کبریایی است که انسان در کائنات با آن مواجه می‌شود. همان طور که سرباز عادی در مراسم عید همراه با یک صاحب منصب ارتش به حضور پادشاه شرفیاب می‌شود و در سایر مواقع نیز به واسطه مقام افسر مافوقش او را می‌شناسد، هر فرد در موسم حج نیز تا حدودی هم‌چون اولیا، شروع به شناخت حضرت حق با عنوان «رب الارض» و «رب العالمین» می‌کند. زمانی که دریچه مراتب کبریایی به سوی قلبش گشوده شد با تکرار «الله اکبر» برای سوالات حیرت‌انگیز، روح‌بخش و مکرری که بر روحش استیلا یافته پاسخ مناسب را می‌یابد.

«الله اکبر» مهم‌ترین دسیسه‌های شیاطین را ریشه کن می‌کند و در این ارتباط پاسخ‌های قطعی می‌دهد؛ همان طور که «الله اکبر» به سوالات ما درباره آخرت پاسخ‌های کوتاه اما بسیار محکم می‌دهد، «الحمدالله» نیز حشر را گوشزد می‌کند و به ما می‌گوید: «تصور معنای من بدون آخرت ممکن نیست، زیرا همه حمد و سپاس‌ها از ازل تا ابد از هر کس و خطاب به هر کس، مخصوص اوست. سلسله جنبان همه نعمت‌ها که در عین حال به نعمت‌ها جنبه حقیقی می‌دهد و تمام موجودات را از مصایب بی‌شمار عدم‌رهایی می‌بخشد، صرفاً سعادت ابدی می‌تواند باشد که معادل معنای کلی من است.»

آری، هر مومن روزانه پس از نمازها به موجب شرع، دست کم بیش از صد و پنجاه مرتبه الحمدالله، الحمدالله می‌گوید؛ عبارتی که معنای آن حمد و شکر بی‌حد



و حصر و فراگیر را از ازل تا ابد افاده می‌کند و پیش پرداختی برای بهای سعادت ابدی و بهشت است؛ و منحصر و مخصوص نعمت‌های دنیوی آلوده به دردهای فانی و گذرا نمی‌باشد. (فرد شاکر) به این موارد از این لحاظ که وسیله‌ی برای نعمت‌های ابدی می‌شوند می‌نگرد و شکر می‌کند. کلمه قدسیه «سبحان الله» نیز با معنای تنزیه و تقدیس حضرت حق از عیب و نقصان، ظلم و عجز، نامهربانی و نیاز و فریب و همه نواقصی که با جمال و جلال و کمالش مخالف است، بر سعادت ابدی و دارالآخرتی که مدار حشمت جلال و جمال و کمال سلطنت اوست و بهشتی که در آخرت هست اشاره دارد و ما را به آن سو رهنمون می‌گردد؛ وگرنه در صورتی که چیزی به نام سعادت ابدی وجود نداشته باشد، سلطنت، کمال، جلال، جمال و رحمت او با عیب و نقص لکه‌دار می‌شود. (۴)

« هر روز متوجه یکی از جهات شاهانه عبادات شده و در جایش با هیجان به فرزندان توضیح می‌دهم.

زیرا در هر عبادت حکمت‌های بی‌شماری که دیده‌ایم و ندیده‌ایم وجود دارد.

امشب اینگونه تجربه‌ای داشتیم.

زمانی که انس مشغول بازی با رایانه بود اذان شب خوانده شد.

بعد از گذشت مدتی گفتم عزیزم وقت نماز داره می‌گذره.

شروع به ناز و ادا و بهانه آوردن برای ترک نکردن بازی کرد، بعد پا شد نمازش رو خوند و برگشت نشست به بازی.

بازیش که تمام شد رفتم پیشش.

گفتم « پا شدن از سر بازی و برای نماز رفتن بعضاً سخته، حق داری، اما میدونی هر بار که اینکارو انجام میدی به فوتبالیست بسیار بهتری شدن نزدیک‌تر میشی.»

گفت چرا؟ بخاطر اینکه تو نماز دعا میکنم؟

گفتم اونم هست اما جهت دیگه‌ای هم داره.

رها کردن چیزی که برات خیلی لذت بخشه برای به جای آوردن مسئولیت، نامی داره: ((اراده))، به قدری مهمه که؛ اگر دارای اراده باشی می‌تونی در هر کاری که در



زندگی انجام می‌دی موفق باشی.

زیرا اگر با اراده باشی تلاش، فعالیت ذهنی و بدنی، زحمت و فداکاری لازم برای انجام ملزومات اون کار رو از خودت نشون خواهی داد.

مثلا بگویم میخوای فوتبالیست بشی؛ برای ورزشکار شدن سحر خیز بودن، تغذیه سالم داشتن و هر روز تمرین کردن لازم خواهد بود.

از خوابت، از بعضی غذاهای محبوبت، از تبلی

((اوه امروز هم بدون انجام کاری بخوابم.)) باید فداکاری کنی و بگذری.

این اراده است.

اگر اراده نشان بدی این رو انجام خواهی داد.

جهتی از عبادات نیز اینه.

با هر نمازی که می‌خوانی یک اجر سالم بر روی دیوار اراده می‌گذاری.

اینها را گفتم....

حال هم به شما بگویم؛ چه رب زیبایی داریم نه؟!، صرف اینکه ما خوب باشیم عبادات را داده، هزاران شکر. (۵)

خداوند غنی و بی‌نیاز است و هیچ نیازی به عبادات ما ندارد، اما ما محتاج عبادات هستیم.

حکمت فرامین و توصیه‌ها و وعده‌ها و تهدیدهای بسیاری که خداوند در خصوص عبادات می‌دهد نیز همین است.

نماز به عنوان یکی از عبادات بسیار مهم دین اسلام هم وسیله‌ای در راه پیشرفت و کمال، هم دوایی برای بسیاری از بیماری‌ها و پلیدی‌ها و هم واکسنی در برابر شرور و بدی‌هاست.

خداوند در آیه ۴۵ سوره عنکبوت نماز را به عنوان بازدارنده‌ای در برابر زشتی‌ها و گناهان و بدی‌ها معرفی می‌کند.

«**اِنَّ مَا اَوْحِيَ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَ اَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللّٰهِ اَكْبَرُ وَ اللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ**» (۴۵، عنکبوت)



« آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان ، و نماز را برپا دار ، که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی دارد ، و قطعاً یاد خدا بالاتر است ، و خدا می داند چه می کنید. »

فرد مسلمان روزانه پنج مرتبه در مقابل خدای خود می ایستد و تجدید پیمان می کند. او سعی در رهاسازی خود از تعلقات پست دنیوی دارد. طبیعتاً شخصی که روزانه پنج مرتبه تمرین مقاومت در برابر هوی و هوس انجام می دهد، انسانی متقی و مقاوم در برابر بسیاری از زشتی ها و فسادها خواهد شد. خداوند در آیات ۱ تا ۱۱ سوره مومنون به شکلی زیبا نماز را به مانند قلعه ای که از خوبی ها در برابر بدی ها محافظت می کند، معرفی کرده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

« قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳) وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴) وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹) أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰) الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱) »

« البته مومنان رستگار شدند، همانها که در نمازشان فروتن اند، و همانها که از چیزهای بیهوده روبر میگردانند، و همانها که انجام دهنده زکاة اند، و همانها که راجع به آمیزش جنسی خویشندارند، مگر در خصوص همسرانشان یا مملوکانشان که درخور سرزنشی نیستند، و اگر کسی بیش از این بخواهد تجاوز کار است، و همانها که عهد و امانت را رعایت می کنند، و همانها که مواظب نمازهای خویش میباشند، آنها همان وارثانند، که فردوس را ارث میبرند و در آن جاودانند. »

خداوند در آیه ۴۳ سوره بقره می فرماید به رکوع بروید، همراه با رکوع کنندگان.

این آیه فرمانی بر برگزاری نماز جماعت است.



« وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ »

« و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و با رکوع کنندگان رکوع کنید. »

تصورش انسان را به وجد می آورد.

مردم محله ای را تصور کنید که روزانه پنج مرتبه با یکدیگر ملاقات و از حال هم جویا می شوند.

با هم همدردی می کنند، از مشکلات یکدیگر و مشکلات جامعه مطلع شده و برای حل مشکلات تبادل نظر می کنند.

همسایگان، دوستان و مردم محله تان را هر روز پنج مرتبه ملاقات می کنید و با آنها پیوند دوستی، برادری و خواهری دینی برقرار می کنید.

شهری را تصور کنید با هزاران نفر جمعیت.

مردمان این شهر چه ثروتمند چه فقیر چه نیرومند چه ضعیف همگی هر هفته با یکدیگر پیوند برابری و برادری برقرار می کنند، فرقی ندارد فقیر باش یا غنی همگی در روز جمعه در کنار هم در مکانی مقرر جمع و به کاری واحد مشغول می شوید.

یعنی عبادت خالق و پروردگار هستی.

معلوم نیست در کنارت که خواهد نشست فرقی هم ندارد هر که بنشیند دوست است و عزیز دلت.

این است مدنیت واقعی و این تمدن تنها زمانی به وقوع می پیوندد که مردم با تمام وجود به نماز جماعت پایبند باشند و هدف از نماز و نماز جماعت را که اتحاد و برابری و برادری و هماهنگی و اطاعت و عبودیت است، بدانند و بفهمند و به آن ایمان و باور داشته باشند.

« یکی از من پرسید:

چرا شما مسلمانان نماز می خوانید و جملات و کلماتی را می گوئید که حتی معنی اش را هم نمی فهمید؟

و این خم و راست شدن های شما کار بیهوده ای است.

در جواب ابتدا مکثی کردم سپس گفتم:



نماز برای یک مسلمان به معنی زنده نگه داشتن حلقه اتصال با مبداء حیات خویش است.

گفتم هیچ جای قرآن نیامده که مسلمانان کلماتی را که معنی آن را نمی فهمند بر زبان آورند.

بلکه پیش فرض ما این است که یک مسلمان معنی آن چرا که را که در هنگام نماز خواندن بیان می کند می داند.

و نفس نماز و آنچه در قرآن ذکر شده نیز شاهی بر این مدعاست که انسان باید عقیده اش را با تفکر کسب کند.

گفتم نماز تکلیفی است که مسلمانان برای زنده نگه داشتن یاد خدا در طول شبانه روز انجام می دهند و به منزله‌ی عهدیست که یک مسلمان با خدا می بندد تا در مدار توحید باقی بماند و خود را از آلودگی‌ها و گناهان مصون بدارد.

نماز تمرینی است در مسابقه‌ی زندگی تا انسان دائما در مقابل تلاطم زندگی آماده و قوی بماند و خود را نبازد.

نماز تذکری است بر خویشتن که ای انسان مغرور مباش و بر آنچه نداری غبطه مخور!

پرسید:

نماز چگونه می تواند یک امتحان یا آزمون برای مسلمانان باشد؟

گفتم:

مگر در طول حیات و زندگی روزمره‌ی خودمان دائما در حال انتخاب و آزمون نیستیم؟

انتخاب بین رفتن یا نرفتن به جایی!

انتخاب بین خریدن یا نخریدن!

انتخاب بین گفتن یا نگفتن حرفی!

انتخاب بین عمل کردن یا عمل نکردن به شیوه‌ی خاصی!

انتخاب بین خوب بودن یا نبودن!

پاسخ داد: چرا!

گفتم:



پس چرا وقتی دین همین قضیه را با زبان دینی بیان می‌کند که دنیا محل ابتلا و آزمایش است اینقدر متعجب می‌شوید؟
ادامه دادم و گفتم نماز خواندن مکلف کردن خویشتن است که من باید همیشه به یاد خالق خود باشم و دنیا را به منزله‌ی آزمونگاهی بدانم که باید بتوانم از آن با موفقیت بیرون بیایم.
گفت:

پس چرا همه‌ی کسانی که نماز می‌خوانند آدم‌های خوبی نیستند و بعضی‌ها مثلاً دزدی هم می‌کنند؟
گفتم:

آیا همه کسانی که امتحان می‌دهند می‌توانند قبول شوند؟
آیا همه‌ی انسان‌ها در علم و دانایی و عمل با هم برابرند؟
یا آیا همه‌ی کسانی که درسی را امتحان می‌دهند نمره‌ی برابری می‌گیرند؟
و آیا همه آنها به یک اندازه آن درس را می‌فهمند؟ جواب داد: مسلماً نه، ولی نمازشان را می‌خوانند و با این وجود دست به دزدی هم می‌زنند؟
گفتم:

آنها دزدانی هستند که نماز هم می‌خوانند یعنی نمازشان نیز نوعی دزدی است.
خودت هم می‌توانی این قضیه را درک کنی. انسان باید با خودش صادق باشد بین آنچه که تظاهر می‌کند و آنچه که واقعا هست همخوانی وجود داشته باشد.
همانگونه که در یک امتحان ممکن است عده‌ای با تقلب و دزدی نمره‌ی خوبی بگیرند ممکن است عده‌ای با نفاق و دورویی سعی کنند با تظاهر به انجام رفتارهای دینی چون نماز خواندن مردم را فریب دهند ولی آیا خدایشان را هم می‌توانند فریب دهند؟

مانند بعضی افرادی که امروزه متأسفانه در جامعه‌ی ما با اختلاسگری توانسته‌اند ثروت هنگفتی را جمع کنند در حالیکه نمازشان را هم ظاهرآ می‌خوانند.
اما همه می‌دانیم که اینان جز بدنامی در این دنیا و عذاب الهی در آخرت چیزی برای خود به دست نیاوردند.



این درحالیست که الله متعال در قرآن کریم فرموده است:

نماز خواندن را برای یاد من برپا دارید.

اسلام هرگز نگفته است که نماز را برای جمع کردن ثروت و قدرت وسیله قرار دهید!

و هرگز هیچ مسلمان حقیقی نیز نمازش را با کوهی از ثروت عوض نخواهد کرد. (۶)

برخی از افرادی که خود را علم‌گرا می‌نامند با دیده تحقیر به عبادات می‌نگرند.

افرادی ناآگاه که حتی اطلاعی از علم و دین و تاریخ علم ندارند.

علاوه بر تاثیرات مثبت فردی و اجتماعی عبادات اسلامی، با مطالعه تاریخ علم مطلع خواهیم شد که عبادات اسلامی و مخصوصاً نماز در پیشرفت علوم تجربی از جمله ریاضیات و جغرافیا و نجوم نیز تاثیر مثبت مهمی داشته‌اند.

در اینجا نکته‌ای نیز لازم به ذکر است که دین اسلام توصیه‌های مکرری به تحصیل در علوم مختلف از علوم انسانی و علوم تجربی می‌کند.

تحصیل علم و تحقیق و اکتشاف در کائنات و اختراع از مهم‌ترین عبادات در دین اسلام می‌باشد.

این نکته ذکر شد تا تصور نشود که عبادت در دین اسلام تنها عباداتی مانند نماز و روزه و حج و ... است. (۷)

اما بازگردیم به موضوع اصلی خودمان:

ظهور اسلام با پیشرفت چشمگیری در علوم همراه بود، از نیشابور تا آناتولی، از اندلس تا بغداد، از بخارا تا تمبکتو، مسلمین هر جا که قدم می‌گذاشتند علم آموزی، فرهنگ و تمدن نیکو در آنجا به سرعت پیش می‌رفت. (۸)

در هر یک از رشته‌های علمی‌ای که مسلمانان در آن به موفقیت‌هایی رسیده‌اند تأثیر تعالیم اسلامی نمایان است، از جغرافیا و تاریخ تا ریاضیات و فیزیک و پزشکی. (۹)

بطور مثال قرآن کریم مسلمین را محکوم به تحصیل در ریاضیات کرده است، انجام احکام دینی‌ای مانند روزه، حج، نماز، ارث، ذکات، تجارت حلال و ... نیازمند عالم شدن در علوم می‌مانند نجوم، ریاضیات و مثلثات می‌باشد، یکی از عوامل اصلی توسعه



علوم ریاضی و نجوم در جهان نیز وجود اینگونه احکام دینی در دین اسلام است. اگر به کتب دانشمندان مسلمانی که در این زمینه‌ها کار کرده‌اند بنگریم تأثیر اینگونه احکام در فعالیت‌های آنان را مشاهده خواهیم کرد.

بطور مثال خوارزمی پدر علم جبر در کتاب الجبر و مقابله خویش همانند یک فقیه ریاضی‌دان به حل جبری مسائل ارثی موجود در قرآن کریم می‌پردازد. (۱۰)

یا ریاضی‌دان و منجم نامی ابوریحان بیرونی بنیان‌گذار علم مثلثات به عنوان علمی مستقل، به اختراع ابزاری برای تعیین اوقات نماز می‌پردازد. (۱۱)

و ...

با تحقیق در حوزه‌ی تاریخ علم و تمدن شاهد تأثیر بسیار مثبت اینگونه عبادات اسلامی در پیشرفت نجوم و ریاضیات خواهیم بود.

زیرا «بر هر مسلمانی واجب بود که اوقات نماز را که به اختلاف مکان و زمان تغییر می‌کرد بشناسد. مسلمان می‌بایست که در هنگام نماز رو به جانب قبله کند. پس باید جهت قبله را بشناسد و این خود مبتنی بر حل مسئله‌ای از مسائل علم هیئت است و به مثلثات کروی مربوط می‌شود. نیز چنین است روزه داشتن و روزه گشودن در ماه رمضان که مسلمانان را به محاسبات فلکی برمی‌انگیزد. این احکام شرعی درباره‌ی روزه، منجمان مسلمان را بر آن داشته است که درباره‌ی مسائل دشوار وابسته به رؤیت هلال و احوال شفق به جستجو برخیزند. و به همین جهت در این باره پیشرفت‌هایی کردند و محاسبات و روش‌های تازه‌ای آوردند که در میان یونانیان و ایرانیان قدیم سابقه نداشت. (۱۲)

«پژوهش‌های اخترشناختی برای مقاصدی به کار برده می‌شدند که در آن‌ها نتایج باید دقیق می‌بودند، از جمله در تدوین تقویم‌ها، اندازه‌گیری فواصل روی زمین، معلوم ساختن زمان دقیق روز برای ادای نمازهای روزانه و تعیین قبله، جهت مگه، که نماز گزاران باید رو به آن بایستند و نماز بخوانند. (۱۳)

«دستورات اسلام برای عبادات روزانه و ماهانه و نیاز به پیدا کردن جهت قبله و جهت ساخت مسجد بدین معنا بود که نیاز فوری به تعیین زمان و مکان با دقت بسیار بالا وجود دارد. (۱۴)



منابع:

۱. تاریخ تمدن تالیف ویلیام جیمز دورانت ترجمه احمد آرام و گروه مترجمان نشر تهران: اقبال: فرانکلین، ۱۳۳۷ - جلد ۰۴ - (عصر ایمان): صفحه ۲۷۳

۲. تاریخ محاصره لیسبون، نوشته‌ی ژوزه ساراماگو، ترجمه‌ی عباس پژمان.

۳. چرا نماز می‌خوانیم؟، نوشته‌ی مولانا محمد طیب، ترجمه‌ی عبدالغنی شیخ جامی.

۴. عصای موسی، نوشته‌ی بدیع الزمان سعید نرسی، ترجمه‌ی داود وفایی، ص ۷۲ و ۷۳، نقل با تلخیص.

.۵

https://www.instagram.com/p/Bt9E03endtm/?utm_source=ig_share_sheet&igshid=24j66e0h80ik

.۶

https://t.me/anti_shobahat/2214

۷. به فصل دوم کتاب جایگاه زنان در دین اسلام نوشته بنده رجوع کنید.

https://t.me/anti_shobahat/2201

۸. برای اطلاع در این خصوص می‌توان به هر کتاب مورد اعتنا در رشته تاریخ علم رجوع کرد.

بطور مثال می‌توانید به این کتاب مراجعه کنید:



۱۰۰۱ اختراع «میراث مسلمانان در جهان ما»، نوشته: پروفیسور سلیم الحسنی، ترجمه: افسانه حجتی و دیگران.

۹. علوم عقلی و تجربی در عالم اسلام، نوشته‌ی اسماعیل راجی فاروقی و لوئیس لمیا فاروقی، ترجمه‌ی محمد فیروزکوهی و روح الله نصراللهی.

۱۰. الجبر و المقابله، نوشته‌ی محمد بن موسی خوارزمی ترجمه‌ی حسین خدیوچم، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، سال چاپ ۱۳۶۳

۱۱. کتاب تاریخ علم کمبریج اثر کالین ا. رنان، ترجمه‌ی حسن افشار، فصل علم عرب.

و

زندگینامه‌ی علمی دانشمندان اسلامی

تحت ویراستاری حسین معصومی همدانی

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

سال انتشار ۱۳۶۵

ص ۳۲۱، ابوریحان بیرونی، نوشته‌ی ای. اس. کندی، ترجمه‌ی حسین معصومی همدانی.

۱۲. کتاب ((تاریخ فلسفه در جهان اسلام)) نوشته‌ی حنا الفاخوری و خلیل الجبر، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی ص ۳۶۴، علم الفلك و تاریخچه ص ۱۴۲ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ترجمه‌ی فارسی آقای احمد آرام از این کتاب به نام تاریخ نجوم اسلامی ص ۲۸۶ _ ۲۸۵ و نیز تراث العرب العلمی ص ۵۷

۱۳. تاریخ علم

تبیین جهان هستی



نوشته‌ی استیون واینبرگ

ترجمه‌ی جمیل آریایی

ص ۱۲۲

۱۴. تاریخچه علم نجوم، مارتین ریس، ترجمه محمد حسین پورعباس و سید امیر

سادات موسوی، ص ۲۴

